

جزوه‌ی مقدمات درس زبان فارسی

مدرس: سمیه زارعی

تعریف زبان:

زبان ساختاری منظم است که از واژگان تشکیل شده و هدف آن انتقال مفاهیم و برقراری ارتباط میان آنان است. زبان روشنگر تفکری و نوآوری دارد. عوامل فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی، سیاسی و ... در پیدایش زبان و تحولات آن تأثیری به سزا دارند.

تعریف ادبیات:

زبان که هدف اولیه آن انتقال مفهوم است گاهی می‌تواند به عنوان یکی از جلوه‌های هنر به کار برده شود؛ در این صورت در کنار هدف اولیه آن، خلق زیبایی نیز اهمیت می‌یابد و این جاست که ما از سبب زبان وارد مقوله‌ی ادبیات می‌شویم؛ بنابراین می‌توان گفت ادبیات شکل هنری زبان است. اصول و عناصری که زبان را به ادبیات تبدیل می‌کند:

۱- عاطفه (احساس)؛ مانند غم، شادی، عشق، حسرت، شفقت...

۲- خیال؛ که در آثار ادبی به ویژه شعر (از طریق سُردهای نظیر تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تخیل، اغراق...) ارائه می‌شود.

۳- معنی؛ معمولاً معانی در آثار ادبی با سایر آثار متفاوت است و این مجموعه خود تاجه‌هایی توهمی مشابه از عناصر احساس و خیال است.

۴- اسلوب: شامل سُردهای گوناگونی است که شاعر یا نویسنده در خلق آثار خود از آن‌ها بهره می‌گیرد مانند: رایه‌های ادبی، وزن شعر، قافیه، ردیف، قضا، تزیین و...

اشغال اصلی ادبی عبارتند از: شعر، داستان، نمایشنامه.

ادبیات، یا سفاقی است (مانند: اوانه‌ها، حکایت‌ها، مترانه‌های عامیانه و...) یا مکتوب.

ادبیات مکتوب سه شکل اصلی دارد: نظم، نثر، شعر.

نظم: کلامی است که از توازن و تناسب‌های کلامی برخوردار باشد و سه اصل زیر را رعایت شده باشد:

۱- وزن عروضی: (هر اثر منظم ضرب‌آهنگی مشخص دارد که از ابتدا تا پایان آن اثر رعایت می‌شود)

۲- قافیه: واژه‌های پایان ابیات یا مصراع‌ها که در حروف پایانی مشترکند و به یک قالب نظم (قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی، ...) به کار گرفته می‌شوند.

۳- تساوی طول مصراع‌ها: هر اثر منظم از تعدادی بیت تشکیل شده که هر بیت دو مصراع دارد و این مصراع‌ها از نظر تعداد هجا (بعضی) یا هم برابرند.

نثر: کلامی است که کلمات و عبارت‌های آن خالی از انتظام و توازن ادبی باشد. (مگر آنکه نثر ادبی باشد)

شعر: کلامی است برخوردار از تخیل، احساس، اسلوب، موسیقی، اندیشه و ایجاز که می‌تواند در چهارچوب نظم، نثر، نمایش، آواز، بزرگان شعر کلاسیک فارسی (حافظ، سعدی، مولانا و...) و نیز می‌تواند مانند شعر نو (نیایی)، شعر سپید و... برخی یا تمامی قواعد نظم (قافیه، تادی، مصرع‌ها، وزن عروضی) را نادیده بگیرد.

انواع ادبی

آثار ادبی از نظر محتوا و مضمون انواعی دارند:

- ۱- ادبیات حماسی، مانند: شاهنامه فردوسی، ایلدرواوادی هومر...
- ۲- ادبیات غنایی، مانند: آثار منوچهری، نظامی، غزل‌های سعدی...
- ۳- ادبیات تعلیمی، مانند: بوستان سعدی، گلستان و دمنه، قابوس نامه...
- ۴- ادبیات عرفانی، مانند: مثنوی مولانا، منطق الطیر عطار، حدیقه الحقیقه سنایی.
- ۵- ادبیات داستانی، شامل قصه، رمان، داستان کوتاه و... که نمونه‌های بسیاری در ادبیات ایران و جهان دارد.
- ۶- ادبیات نمایشی، شامل کمدی، درام و تراژدی، که خاستگاه آن جوامع مدنی و متمدن است.

قالب‌های شعر فارسی

قصیده

از کهن‌ترین قالب‌های شعر فارسی است. بیست و پنج بیت دارد و مصراع اول آن با تمامی مصراع‌های زوج هم قافیه است. موضوع‌های رایج در قصیده، مدح پادشاهان یا بزرگان، موعظه، مرثیه، مسائل اخلاقی، اجتماعی و... است. از شاعران بزرگ قصیده سراسر می‌توان به عنصری، فردوسی، منوچهری، خاقانی و انوری اشاره کرد.

غزل

از مهم‌ترین و متداول‌ترین قالب‌های شعر فارسی از گذشته تا امروز است. معمولاً بیست و پنج تا سی بیت دارد و مانند قصیده مصراع اول آن با مصراع‌های زوج هم قافیه است. عمده‌ترین موضوع غزل، عشق است. انواع غزل فارسی عبارتند از: غزل عاشقانه، غزل عارفانه، غزل تعلیمی، غزل قلندر، غزل مضمون، غزل سیاسی-وطنی، غزل نو و غزل حماسی. برخی از مشهورترین شاعران غزل سراسر، سعدی، عراقی، حافظ، مولانا، صائب، هوشنگ ابتهاج، سپهر، بهمنی...

از قالب های شعر سنّی فارسی است. در این نوع شعر هر بیت قافیه ای مستقل دارد و از آن جهت که دو مصراع هر بیت هم قافیه اند آن را مثنوی (دو تایی یا دو گانی) گویند. شمار ابیات مثنوی به اقتضای موضوع قابل افزایش است و محدودیتی ندارد؛ از این رو مناسب ترین قالب برای سرودن منظومه های بلند عشقی، حماسی، عرفانی و داستانی است. مثنوی معنوی، شاهنامه ی فردوسی، خمسه ی نظامی، بوستان سعدی و مثنوی الطبر عطار (از مشهورترین نمونه های مثنوی در ادب پارسی) است.

رباعی

رباعی از چهار مصراع تشکیل شده است، و مصراع های اول، دوم و چهارم حتماً هم قافیه اند و گاه هر چهار مصراع هم قافیه می آیند. وزن رباعی با جمله ی معروف «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» مطابقت دارد. چهار مصراع رباعی معمولاً از نظر معنی و مضمون بهم پیوسته اند و وحدت محتوایی دارند. شاعر در سه مصراع نخست زمینه را فراهم می آورد و در مصراع چهارم سخن خود را به اوج می رساند. رباعی را از نظر شمار لحظه ها و سبب قصاید و لحظه های زودگذر یا شعرهای کوتاه و لحظه ای واپس که «هائیکو» نام دارد، همسانه دانسته اند.

خاتم النبیین موفق ترین و معروف ترین رباعی سرای ایرانی است. از دیدن رباعی سرایان می توان به عطار، خبیب بورس، مولوی، بابا افضل کاشانی، قلیچ اسن، پور و... اشاره کرد.

قالب‌های شعری نام‌برده، معروف‌ترین قالب‌های شعر فارسی هستند. علاوه بر این‌ها شمار بسیاری از قالب‌های شعر ~~فارسی~~ نامی توان نام برد؛ نظیر: قطعه، دویتی، مستط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، بحر طویل، مستزاد، چهارپاره...

شعر آزاد

شعری را که از اصول و قواعد شعر کهن پیروی نمی‌کند، شعر آزاد گویند. شعر آزاد فارسی در شکل متناهی دارد؛ یکی شعر نیمایی است و دیگری شعر سپید یا منثور. پاره‌ای از ویژگی‌های شعر آزاد در هر دو شکل مشترک است. این مشترکات در چهار قلمرو، عاطفه، تخیل، زبان و موسیقی دربر می‌شود که از جلالتی با شعر سنتی تفاوت دارد.

شعر نیمایی

همان‌گونه که اشاره شد شعر نو یا نیمایی برخی قواعد شعر کهن را در صمی می‌شکند. بنیادین‌ترین معتقد به ذات اوست طول مصراع‌ها و شاعران در بیان مفاهیمش دچار تنگنا می‌کنند بنابراین کوتاه‌تری و بلندتری مصراع‌های شعر را وابسته به اقتضای کلام و مضمون آن می‌دانست. همچنین بنیاد «قافیه» را زینت کلام نامید که معمولاً در پایان بند‌های شعر نو می‌آید (هر چند از شعر نو مجموعه‌ای از مصراع‌هایی است که غالباً اتحاد معنایی دارند). بنیاد زینت قافیه را در تکمیل کردن موسیقی شعری دانست و پس قایل به ضرورت حتی آن نبود. بنیاد وزن عروضی شعر را حفظ کرده و بر معتقد به وزن حکم اسکلت یا استخوان نبندی کلام را دارد و سبب اتحاد مصراع‌های شعر

شعر سپید یا منثور در ظاهر نه شعر است و نه فاقد وزن است؛ اما از عناصر شعری مانند تصویر، خیال، عاطفه و تناسب ذاتی برخوردار است و به کار در گونه‌های دیگر شعر در خلاصه‌ای یاد تأثیر و لذت می‌کند.

در شعر سپید هم مانند شعر بنیادی مصرع‌ها کوتاه و بلند هستند، به کار لایق قافیه ضرورت ندارد و کلام فاقد وزن عروضی است اما نوعی از موسیقی (رونی و هماهنگی‌های واژگانی در کنار ویژگی‌های یاد شده شعر سپید را از شعر (نثر ادبی) متمایز می‌کند.

در ادبیات فارسی معاصر، در ابتدا اصطلاح شعر منثور برای ترجمه‌ی شعرهای خارجی که به هنگام ترجمه، وزن و صورت شعری خود را از دست می‌داد به کار می‌رفت؛ اما آنکس شعر سپید یا منثور به عنوان گونه‌ای مستقل از شعر فارسی شناخته می‌شود. موفق‌ترین نمونه‌های شعر سپید به احمد شاملو «عرضه کرد» از این ردا و لا مانده‌ی شعر سپید فارسی می‌خوانند.